

«نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر»

خوشقدم یونسی*

رحمان مشتاق‌مهر**، ناصر علیزاده***

چکیده

توجه به تفاوت‌های زبانی زنان و مردان، از اواخر دهه ۶۰ میلادی، در کشورهای غربی و در نتیجه یافته‌های پژوهشگران جامعه‌شناسی زبان و فعالیت‌های آزادی‌خواهانه فمینیست‌ها صورت گرفت. بسیاری از پژوهشگران و صاحب‌نظران، بر این باورند که زنان به‌خاطر خلق و خو و روحیات متفاوت، دیدگاه‌های متفاوتی نسبت به جهان دارند؛ از این رو معتقدند که کاربردهای زبانی و شیوه نویسنگی آنان متفاوت است. در این پژوهش، به روش آماری توصیفی-تحلیلی و برپایه دیدگاه‌های برخی پژوهشگران، از جمله دیدگاه «سارا میلز» در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی و نظریات پژوهشگران زبان‌شناسی اجتماعی، برای کشف نشانه‌های سبک زنانه در نویسندگی، هشت رمان شامل چهار رمان زن‌نوشت و چهار رمان مرد‌نوشت در لایه زبانی مورد بررسی قرار گرفته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که از شاخص‌های کاوش شده در حوزه زبانی، رمانهای زنان در هیچکدام از این شاخص‌ها، از نظر بسامد یکسان نیستند و گاهی این ویژگی‌ها در رمانهای نویسندگان مرد برجسته‌تر از رمان‌های نویسندگان زن است. بنابر نتایج حاصل از این پژوهش نشانه‌های سبک زنانه در لایه زبانی (واژگانی و نحوی) قابل اثبات نیست و بهتر است این نشانه‌ها در شیوه‌های روایت از جمله زاویه دید، شخصیت‌پردازی، لحن، صحنه و ... جست‌وجو شود.

کلیدواژه‌ها: جنسیت و زبان، رمان، سبک زنانه.

* دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدمدنی، آذربایجان (نویسنده مسئول)،
M11hour.younesi555@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدمدنی، آذربایجان، r.moshtaghmehr@gmail.com

*** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شهیدمدنی، آذربایجان، Nasser.alizadeh@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۷/۲۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۱۱/۱۸

۱. مقدمه

بحث بر سر وجود سبکی به نام «سبک زنانه» موضوعی است که در نتیجه یافته‌های پژوهشگران زبان‌شناسی اجتماعی مبنی بر تفاوت‌های زبانی زن و مرد به وجود آمده است. طرفداران جنبش‌های دفاع از حقوق زنان و پایه‌گذاران نوشتار زنانه، با بهره‌گیری از یافته‌های دانشمندان جامعه‌شناسی زبان و آراء اندیشمندانی چون ژاک لاکان (Jacques Lacan) روانشناس و ژاک دریدای (Jacques Derrida) فیلسوف، بر این امر تأکید کردند که زبان موجود در جامعه، برساخته مردان است و زنان، به‌ناچار الگوهای زبانی مردسالار را به کار می‌گیرند همچنان «روایت‌شناسان فمینیست نشان دادند که روایت‌شناسان ساختارگرا، تقریباً همیشه تقسیم‌بندی‌های خود را بر مبنای متونی تنظیم می‌کنند که نویسنده آن، مذکر است» (راغب، ۱۳۹۱: ۹۴). براین اساس، فمینیست‌های پس‌ساختارگرا، به انتقاد از نظم زبانی ساختارگرای مردانه پرداختند. ذکر این نکته ضروری است که برخی از پژوهشگران نظریات یاد شده را رد کردند؛ از جمله سوکال و بریکمون در کتاب چرندیات پست مدرن نظریات لاکان، کریستوا، ایریگاری و... را به چالش کشیدند. (رک سوکال و بریکمون، ۱۳۹۴: ۱۵۵، ۷۱، ۴۷). از میان پژوهشگران ایرانی نیز قدرت‌الله طاهری در مقاله‌ای با عنوان «زبان و نوشتار زنانه؛ توهّم یا واقعیت» با ارائه دلایلی منطقی با دیدی انتقادی به وجود نوشتار زنانه و برساخته بودن زبان از جانب جامعه مردانه می‌نگرد. «به نظر می‌رسد نظریه‌هایی که در حوزه علوم انسانی به ویژه در دوسه قرن اخیر مطرح شده‌اند، در بسترهایی ایدئولوژیک شکل گرفته‌اند و تا زمانی که منتقد فاصله روانی از آنها نگرفته باشد نمی‌توان نقاط قوت و ضعفشان را دریابد زیرا از تاثیرات آشکار ایدئولوژیها در امان نخواهد بود» (طاهری، ۱۳۸۸: ۹۰).

به هر صورت، فمینیست‌ها با طرح دیدگاه‌های یاد شده و مطرح ساختن این موضوع که زنان و مردان، روحيات و خلییات متفاوتی دارند، به این نتیجه رسیدند که زبان و نوشتار دو جنس نیز متفاوت است. اما دلیل اینکه در این مقاله به بررسی سبک زنانه و نه نوشتار زنانه پرداخته ایم، این است که ایجاد زبان و نوشتار زنانه در حد یک ادعا باقی ماند و تغییر زبان موجود و وارونه کردن آن اگر غیر ممکن هم نباشد، نیاز به زمان بسیار طولانی خواهد داشت. بنابراین مطرح کردن سبک زنانه معقول تر از زبان و نوشتار زنانه به نظر می‌رسد.

از زمان مطرح شدن تفاوت‌های زبانی زن و مرد، پژوهش‌های گسترده‌ای در زمینه زبان و ادبیات زنان و سبک نویسندگی آنان انجام گرفته است. از آنجا که زنان، نیمی از جامعه بشری را تشکیل می‌دهند، نیاز به سبک‌سنجی آثار آنان، همواره احساس می‌شود.

در ایران و در پی دگرگونی‌هایی که پس از نهضت مشروطه صورت گرفت، نگرشی نو به جایگاه زنان و حقوق آنان پدید آمد و بازاندیشی در هویت زنانه مدنظر قرار گرفت. زنان در دوره معاصر، اندکی پس از مردان به دنیای هنر و تولیدات علمی و ادبی پا گذاشتند و تا امروز نقش مؤثری در دانش به‌ویژه نویسندگی و آفرینش آثار داستانی داشته‌اند. نخستین رمان درخور توجه زنان، «سووشون»، ساخته سیمین دانشور است.

در پژوهش پیش‌رو برآنیم تا به کاوش و کشف نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر، گونه رمان، پردازیم. این پژوهش درلایه زبانی (واژگانی و نحوی) صورت می‌گیرد. چون ماهیت سبک زنانه، در مقابل سبک مردانه معنا و نمود پیدا می‌کند، بنابراین، آثار نویسندگان مرد نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد. چنانچه ویژگی‌های جستجو شده، صرفاً ویژه آثار زنانه و در بین آنان مشترک باشد، می‌توان به وجود سبک زنانه معتقد بود.

پرسشهایی که موجب شکل‌گیری پژوهش پیش‌روست از این قرار است که: سبکی به نام «سبک زنانه» وجود دارد؟ و در صورت وجود سبک زنانه چه ویژگی‌هایی آن را از سبک مردانه متمایز می‌کند؟

با توجه به اینکه متغیرهای اجتماعی از جمله جنسیت بر ذهن و اندیشه و زبان تأثیر می‌گذارد و سبک نویسندگی نیز از ذهن و زبان سرچشمه می‌گیرد، بنابراین می‌توان به وجود سبک زنانه قائل بود. هدف نگارندگان مقاله نیز چنان که باید همسو با سوالات پژوهش، کشف نشانه‌های سبک زنانه و تحلیل آن در مقایسه با سبک مردانه و گشایش دریچه‌هایی به روی این دسته از پژوهش‌هاست.

اهمیت و ضرورت تحقیق از آن جهت است که دغدغه اثبات سبک نویسندگی زنان مدتی است که ذهن پژوهشگران را به خود مشغول داشته است و این موضوع، مورد توجه بسیاری از پژوهندگان است. بنابر این نیاز به سبک‌سنجی آثار زنان و برجسته‌سازی نشانه‌های سبک آنان احساس می‌شود.

جامعه آماری این پژوهش را هشت رمان، که شامل چهار رمان زنانه و چهار رمان مردانه است، تشکیل می‌دهد؛ جدول ۱ و ۲ به ترتیب نام رمانهای زنانه و مردانه، سال چاپ، تعداد صفحات و واژه‌های رمانها را نشان می‌دهد: (رجوع شود به پایان‌نامه کارشناسی ارشد

نگارنده مسئول با عنوان "نشانه‌های سبک زنانه در ادبیات داستانی معاصر" نوشته شده در دانشگاه شهیدمدنی آذربایجان).

جدول ۱. رمان‌های زنان

عنوان رمان‌های زنانه و مردانه	سال چاپ	تعداد صفحات رمان	تعداد واژه‌های رمان
طوبی و معنای شب	۱۳۶۸	۵۰۰	۱۰۷۵۰۰
اتفاق	۱۳۹۳	۳۰۰	۶۳۴۹۲
پری فراموشی	۱۳۸۷	۲۳۰	۴۸۸۹۱
خوف	۱۳۹۲	۱۹۶	۳۸۴۳۲
باغ بلور	۱۳۶۵	۳۵۰	۶۵۰۴۰
مهر گیاه	۱۳۷۷	۱۷۰	۳۴۹۶۶
هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها	۱۳۸۰	۲۰۰	۴۵۹۱۲
سپیدتر از استخوان	۱۳۹۴	۱۱۶	۲۷۰۳۸

با توجه به اینکه ۴ رمان نوشته شده توسط نویسندگان زن و ۴ رمان نوشته شده توسط نویسندگان مرد مورد بررسی در این تحقیق، از نظر تعداد صفحات و نیز از نظر تعداد کلمات به کار برده شده برابر نیستند، بنابراین ما برای مقایسه درست میان رمان‌ها، نیازمندیم تا در ۹ شاخص مورد بررسی زیر:

۱. واژه‌های متعلق به حوزه زنان

۲. اقلام و صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

۳. تعدد شخصیت‌های زن

۴. رنگ واژه‌ها

۵. جزئی‌نگری

۶. نشانه‌های فرازبانی

۷. جملات پرسشی حدیث نفسی

۸. میانگین واژه‌های جملات

یک معیار مناسب انتخاب کنیم. بر این اساس، به دست آوردن میانگین واژه‌های هر رمان در هر صفحه، معیار مناسبی برای مقایسه میان رمان‌های این تحقیق است که برای این

کار تعداد واژه‌های هر رمان را بر تعداد صفحات همان رمان تقسیم می‌کنیم. عددی که برای هر رمان به دست می‌آید، می‌تواند شاخصی مناسب برای مقایسه باشد. هم‌چنین در ۸ شاخص مورد بررسی دیگر نیز، ما دو عدد را معیار مقایسه قرار دادیم. عدد اول که در جدول‌های متناظر با هر شاخص آمده است درصد استفاده از آن شاخص، به کل واژگان رمان‌هاست که برای بدست آوردن این درصد، نیازمندیم تا تعداد این شاخص را بر تعداد کل واژگان رمان تقسیم و آن را ضرب در ۱۰۰ کنیم تا برای هر رمان، یک عدد جهت مقایسه با دیگر رمان‌ها به دست آید. عدد دوم نیز، میانگین آن شاخص در هر صفحه است که برای به دست آوردن این میانگین، نیازمندیم تا تعداد این شاخص را بر تعداد صفحات رمان تقسیم کنیم؛ با این کار نیز برای هر رمان، یک عدد جهت مقایسه با دیگر رمان‌ها به دست می‌آید. در نهایت نیز این اعداد را جهت بررسی در جدول‌های متناظر با هر شاخص آورده‌ایم.

برای درک میزان جزئی‌نگری نویسنده‌ها در پیکره انتخابی، ابتدا تعداد عبارات اسمی که شامل هسته و وابسته است به دست می‌آید و سپس نسبت میزانبسته‌ها به هسته عبارات اسمی در صدگیری می‌شود.

روش شمارش هسته و وابسته برپایه مدل به کار رفته در کتاب «توصیف ساختمان دستوری زبان فارسی» نوشته محمدرضا باطنی است.

در قسمت جملات کوتاه، ابتدا جمله‌های پیکره انتخاب شده از رمان‌ها شمرده می‌شود سپس تعداد واژه‌های همان پیکره بر تعداد جمله‌ها تقسیم می‌شود؛ به این ترتیب، میانگین واژه‌های جمله‌های هر رمان به دست می‌آید. ملاک احتساب جمله را به پایان رسیدن مفهوم آن در نظر می‌گیریم. برای مثال جمله زیر: «بعد از آنکه مثل اسرائیلی‌ها سیاست زمین در مقابل صلح را پیش گرفته و اتاق آشپزخانه را به رعنا واگذار کرده بودم تا دوباره استقلال را به دست آورده باشم، گاه و بیگاه و به هر بهانه‌ای باز مزاحم می‌شد» (قاسمی، ۱۳۹: ۱۱۷)، یک جمله به حساب می‌آید.

لازم به ذکر است برای به دست آوردن تعداد واژه‌های رمانها نیز از همین روش بهره گرفته ایم. ملاک ما برای اثبات سبک زنانه، بر اساس روش‌های یاد شده، وجود دو ویژگی است: ۱- تشابه بین آثار زنان نویسنده در ویژگی‌های یاد شده ۲- منحصر بودن این ویژگی‌ها به آثار زنان نویسنده.

۲. پیشینه پژوهش

نورمن فرکلاف (Norman Fairclough) (۱۹۸۹) در کتاب خود به نام «زبان و قدرت» نشان می‌دهد که گروه قدرتمند جامعه، از زبان به عنوان ابزاری برای زیر سیطره درآوردن گروه ضعیف‌تر استفاده می‌کند. وی معتقد است از مردان، با مفهوم کلی انسان یاد می‌شود که مفهومی فراجنسیتی است اما از زنان، فقط به عنوان زن و به تعبیر سیمون دو بووار (Simone de Beauvoir) دیگری یاد می‌کنند.

ویلیام لباو (William Labov) نخستین پژوهشگر جدی درباره زبان‌شناسی اجتماعی است. او در پژوهش‌های خود به این نتیجه رسید که به‌ویژه در حوزه واجی، تفاوت‌های بسیاری بین زبان زنان و مردان وجود دارد. لباو در تحقیقات خود به نتایج زیر دست یافت:

- ۱- زنان، نسبت به مردان هم‌ردیف خود، گرایش بیشتری به گونه‌های معیار دارند.
- ۲- طبقه متوسط روبه پایین جامعه، گرایش بیشتری به اصلاح زبان خود و استفاده از زبان معیار دارد. (labov, 1991: 302)

روبین لیکاف (Robin Lakoff) نیز رابطه میان زبان و جنسیت را به طور جدی مورد پژوهش قرار داد و در پژوهش خود با نام «زبان و جایگاه زنان» (Language and Woman's place) نابرابری در موقعیت‌ها و نقش‌های اجتماعی را موجب تفاوت در گونه‌های زبانی زنان و مردانی دانست (lakof, 1972: 79).

سارا میلز (sara mills) (۱۹۵۵) کتاب سبک‌شناسی فمینیستی را درباره تحلیل آثار داستانی زنان ترتیب داد. وی در سه لایه واژگانی، نحوی و گفتمانی به تحلیل آثار پرداخته است. استعاره نیز بخش دیگری است که میلز آن را در ارتباط با جنسیت و اکاوی کرده است.

فتوحی در کتاب «سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها» بخشی را به بررسی ویژگی‌های سبک زنانه اختصاص داده است. فتوحی، ویژگی‌های نوشتار زنان را از نظر فرم و محتوا و اکاوی کرده است. از دیدگاه وی، ویژگی‌های داستان‌پردازی زنان را باید در محتوا و نه در فرم جستجو کرد. (ر.ک. فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۲۰-۴۰۲).

وحیدولی‌زاده در مقاله خود با عنوان «جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی» به کاربردهای زبانی زنان در آثارشان اشاره کرده است. (ولی‌زاده، ۱۳۸۷: ۲۲۴-۱۹۱).

پژوهشی که بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی سارا میلز اجرا شده است، مقاله «روند تکوین سبک زنانه در آثار داستانی زویا پیرزاد- تحلیل بر پایه سبک‌شناسی فمینیستی، نگاشته ناصر نیکوبخت و همکاران است.

ویژگی مقاله حاضر و تفاوت آن با نمونه‌های دیگر از جمله مقاله اخیر این است که از روش تحلیل آماری و مقایسه‌ای در این پژوهش استفاده شده است و همانطور که در مقدمه سخن رفت قایل شدن به سبک زنان در مقایسه آن با سبک نوشته‌های مردان امکان‌پذیر است و جست و جوی ویژگیهای سبکی صرفاً در رمانهای زنان بیشتر جنبه توصیفی خواهد داشت و معیار چندان مناسبی برای اثبات سبک نیست؛ برای مثال کاربرد تکیه کلامی زنانه ویژگی سخن زنان به حساب می‌آید اما ممکن است با بررسی آثار نویسندگان مرد دریابیم که این ویژگی در آثار مذکور غلبه بیشتری دارد.

۳. زبان و جنسیت

در بحث از زبان و جنسیت، که پژوهشگران زبان‌شناسی اجتماعی آن را تجزیه و تحلیل می‌کنند، دو مسأله اساسی مورد توجه قرار می‌گیرد، یکی تفاوت‌های زبان زن و مرد و دیگری پایدارسازی سلطه جامعه مردسالار بر زنان با ابزار زبان. همچنین باید به این نکته توجه کرد که زبان در ذات خود و در خلأ قائل به جنسیت نیست، بلکه نگرش کاربران زبان است که چنین است. جنسیت در زبان، مربوط به مرحله اجتماعی‌شدگی زبان است.

برخلاف برخی زبان‌شناسان ساختگرا مانند زبان‌شناسان زایشی که بیشتر بر توانش زبانی تأکید دارند و زبان را مجموعه‌ای از قواعد بالقوه می‌دانند، بسیاری از پژوهشگران از جمله زبان‌شناسان اجتماعی، بر نقش محیط و جامعه در شکل‌گیری دگرگونی‌های زبان تأکید دارند. آن‌ها، زبان را به عنوان نهادی اجتماعی و نظامی وابسته به فرهنگ می‌دانند که به عوامل محیطی و برون‌زبانی واکنش نشان می‌دهد. عوامل محیطی، ساختار اجتماعی، نگرش‌ها و ارزش‌ها، متغیرهایی هستند که در بحث از عوامل برون‌زبانی مورد توجه‌اند. (یول: ۱۳۸۵، ۱۱۴)

هرکدام از عوامل یاد شده مؤثر در زبان، بر تفاوت‌های زبانی دامن می‌زنند. افزون بر تفاوت‌های طبقاتی، اقتصادی و فرهنگی، جنسیت نیز به عنوان عامل برون‌زبانی در رابطه با شکل‌گیری زبان بررسی می‌شود. ویلیام اوگریدی (William Ogrady) و همکارانش بحث زبان و جنسیت را در معانی گسترده‌ای که کاربرد دارد، به شرح زیر دسته بندی کرده‌اند:

۱- تفاوت در کاربرد زبان به دلیل جنسیت (یا گرایش جنسی) نویسنده، گوینده یا مخاطب؛

۲- تفاوت در کاربرد زبان به دلیل جنسیت شخص سوم (شخص مورد بحث)؛

۳- تفاوت جنسیتی انحصاری و ترجیحی.

تفاوت جنسیتی انحصاری، گونه‌های گفتاری کاملاً متفاوت مردان و زنان را در یک جامعه معین در بر می‌گیرد؛ (۵۳۶:۱۳۹۴) برای نمونه در زبان سیدامو در کشور اتیوپی، واژه‌هایی یافت می‌شود که کاربران آن‌ها تنها زنان هستند؛ همچنین واژه‌هایی که کاربرانشان صرفاً مردان هستند. (پول، ۱۳۸۵: ۲۱۳) هرچند که تعداد این تعابیر و صورتهای انحصاری بسیار اندک است و قواعد عمومی زبان وجود صور خاص زنان را تولید و تایید نمی‌کند. و بر این اساس قائل شدن به تفاوت جنسیتی ترجیحی معقول تر و قابل تأملتر می‌نماید.

تفاوت جنسیتی ترجیحی، در بسامد نسبی استفاده زنان و مردان از عناصر دیگر بازتاب می‌یابد. چنانچه گویش‌وران مؤنث انگلیسی، بیش از گویش‌وران مذکر از واژه‌هایی چون nice, Lovely استفاده کنند، می‌توان ادعا کرد که انگلیسی‌زبان‌ها تفاوت جنسیتی ترجیحی دارند. تحقیقات در آمریکای شمالی نشان داده است که زنان در مقایسه با مردان، از اصطلاحات متنوع‌تری برای رنگ‌ها استفاده می‌کنند. (اوگریدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۴۱).

گرایش‌های زبان‌شناسی انتقادی و اجتماعی، اغلب با پیش‌فرض گرفتن این مسأله که تفاوت‌های جنسیتی، نژادی، طبقاتی و ... در شیوه استفاده از زبان گویندگان مؤثرند، به بررسی این تفاوت‌ها در متون و گفتار می‌پردازند. این گرایش نظری بر این باور است که زبان، تابع شرایط بیرونی خود است و زبان از سوی گروه‌های مختلف اجتماعی به شیوه متفاوتی به کار گرفته می‌شود. در نظر این متفکران، زبان زنانه و مردانه از یکدیگر قابل تمییز هستند. (فیاض و رهبری: ۱۳۸۵، ۴۶).

۴. رمان و زنان

در آغاز داستان‌نویسی زنان، زمینه برای چاپ آثار با اسامی زنانه فراهم نبود. در قرن هجدهم میلادی و آغاز قرن نوزدهم، زنان برای پذیرفته شدن آثارشان از سوی جامعه و خوانندگان، هویت زنانه خود را در پس نقاب و اسامی مستعار مردانه پنهان می‌کردند و یا این‌که همانند جین آستین رمان‌های خود را بی‌نام چاپ می‌کردند (آستین، ۱۳۸۸: ۱۹)؛ اما پس از صد سال، توجه به جنسیت نویسندگان زن اوج گرفت و موضوع نقد قرار گرفت. اهمیت رمان

و رمان‌نویسان زن در سده نوزدهم میلادی، بدان جایگاه است که مردان نویسنده، به خاطر فراهم آوردن امکان انتشار رمان‌هاشان، ناگزیر چهره‌شان را در پس نقاب زنانه پنهان می‌کنند (مایلز، ۱۳۸۵: ۴۱-۳۸).

از میان گونه‌های ادبی، قالب رمان بیش از شکل‌های دیگر هنری مورد استقبال زنان قرار می‌گیرد. رمان، برخلاف داستان کوتاه که برشی از زندگی است، بخش گسترده‌تری از زندگی را بازتاب می‌دهد. «گونه رمان، انعکاس خط‌مشی فرد در جستجوی تمامیت، انسجام و هویتی است که فرد تصویر آن را عمیقاً در ذهن دارد» (زرافا، ۱۳۶۸: ۱۵۹) بنابراین، فرصتی در اختیار زنان می‌گذارد تا در قالب این فرم ادبی بتوانند زندگی و هویت خود را که سال‌ها پنهان بوده یا از زاویه دید مردانه به تصویر درآمده است، نمایان سازند؛ به همین خاطر، گونه رمان نسبت به فرم‌ها و هنرهای دیگر در میان زنان طرفداران بیشتری دارد. از طرف دیگر، نوشتن بسیار بی‌دردس‌تر و کم‌هزینه‌تر از هنرهای دیگر برای زنان است. آن‌ها می‌توانند با داشتن «اتاقی از آن خود» (نام کتابی از خانم ویرجینیا وولف) و درآمدی ماهیانه، پس از فراغت از کار روزانه در منزل به کار دلخواه خود که همانا نوشتن رمان است، بپردازند.

۵. لزوم توجه به سبک زنانه

پژوهشگران حوزه زبان‌شناسی بر این باورند که زن و مرد به خاطر شرایط اجتماعی و قرار گرفتن در سلسله مراتب جنسیتی، برای سخن گفتن، زبان متفاوتی را به کار می‌گیرند. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، علاوه بر نظریات پژوهشگران جامعه‌شناسی زبان، اندیشه‌های دانشمندانی چون «ژاک دریدا» و «ژاک لاکان» نیز زمینه‌ساز پیدایش نظریه نوشتار زنانه شد. دریدا در فلسفه خود بر این باور بود که بسیاری از تقابل‌های دوگانه که برتری یکی بر دیگری را نشان می‌دهد، از اساس غلط است. این تقابل‌ها عبارت‌اند از: گفتار/نوشتار، غیاب/حضور، مرد/زن و... که به گونه‌ای نشان‌گر برتری اولی بر دومی است؛ دریدا به واسطه این تقابل‌ها دست می‌زند:

پیشنهاد نخستین دریدا به متافیزیک غربی این است که اندیشه فلسفی - علمی همواره زندانی عناصر دوقطبی بوده است. عناصری که متافیزیک غربی، خود، آنها را آفریده، سپس پنداشته است که واقعیت دارند. اندیشه متافیزیکی هرگز نتوانسته است خود را از

بند این زندان دوقطبی اندیشیدن برهاند. بد در برابر نیک، نیستی در برابر هستی، غیاب در برابر حضور، دروغ در برابر حقیقت... زن در برابر مرد. (مقدادی، ۱۳۹۳: ۴۱۴).

از نظر دریدا، مردان با ایدئولوژی کلام‌محور مردانه که از جنبه نرینگی آن‌ها نشات می‌گیرد، ساختارهای زبانی را تحت سیطره خود درآورده‌اند. (ضیمران، ۱۳۹۲: ۲۸۷). اعتقاد به تک معنایی، در فلسفه دریدا از بین می‌رود و به جای آن، بازی بی‌پایان دالها با معانی متکثر جلوه‌گر است. فمینیست‌ها و پایه‌گذاران نوشتار زنانه بر این اساس، خواهان برهم زدن نظم نوشتاری تک معنایی مردان، که سلطه خود را با زبان بر جنس زن ادامه‌دار می‌کردند؛ شدند. آن‌ها، خواستار به وجود آمدن نوشتاری بودند که از زنانگی سرچشمه بگیرد تا به این ترتیب، به واسطه زبان مردانه دست بزنند. برای همین منظور، اصطلاح نوشتار زنانه را برای آثار نوشته شده زن پیشنهاد دادند.

فمینیست‌ها همچنین با توجه به اندیشه‌های ژاک لاکان روانشناس، به شکل‌گیری زبان کنونی در مرحله اجتماعی شده آن توجه کردند و معتقد بودند که در این مرحله، زبان ساختار و نظم نمادین مردانه را به خود پذیرفته است. زیرا در مراحل پیش‌زبانی، هیچ‌گونه جنسیت زدگی در زبان وجود ندارد. (رک مکاریک، ۱۳۹۳: ۳۹۳). نظریه پردازان یاد شده ابتدا به تضاد زبانی زن و مرد قائل شدند؛ اما این منظر، به خاطر اینکه آن‌ها نتوانسته بودند زبان زنانه ایجاد کنند و با توجه به تحقیقات «فردینان دو سوسور» (Ferdinand de Saussure) در حوزه زبان‌شناسی به چالش کشیده شد؛ سوسور معتقد بود پیوند بین دال و مدلول طبیعی نیست و اختیاری است و زبان نظامی است که فراسوی جنسیت شکل می‌گیرد. این مسئله، زمینه‌ساز رویکرد دیگری به زبان شد که «دیدگاه تفاوت» نام دارد. به این ترتیب، نیاز به کاوش در زمینه سبک زنانه، که متفاوت از سبک مردانه است، از سوی پژوهشگران مطرح شد. بسیاری بر این باورند که سبک زنانه وجود دارد؛ زیرا زنان، روحیات و احساسات متفاوتی دارند. عده‌ای نیز از دیدگاه فراجنسیتی به این مسئله نگاه می‌کنند و معتقدند، نویسنده زمان نوشتن به جنسیت خود فکر نمی‌کند. «لیندا ناکلین» (Linda Nochlin) معتقد است که اثبات «سبک زنانه» نیازمند این است که زنان آثار مشابهی را به جامعه عرضه کنند. این درحالی است که آثار آنان، بیشتر شبیه آثار هم‌عصران خود اعم از زن و مرد است (مصطفوی و علمدار، ۱۳۹۲: ۶۹). با این حال، واکاوی درباره سبک زنان به‌ویژه در داستان‌نویسی و اثبات سبکی به نام «سبک زنانه» از دغدغه‌های ذهنی بسیاری از منتقدین جهان است. در ایران نیز پژوهش‌هایی برای اثبات نوشتار زنانه صورت گرفته است. از آنجا

که داستان و به‌ویژه رمان، گونه مناسبی برای بیان واقعیات اجتماعی و ساختن جهانی مشابه با جهان بیرونی است و این فرم به «منزله شکل ادبی و نهادی اجتماعی است که به‌طور مستقیم‌تری از پدیده‌های اجتماعی، مایه می‌گیرد» (زرافا، ۱۳۸۶: ۹) زمینه مناسبی را فراهم می‌آورد که زنان، دیدگاه‌ها و ویژه خود را در این قالب شکل بدهند. بنابراین با توجه به این موضوع، رمان، گونه مناسبی برای کشف دیدگاه‌ها و جهان ذهنی زنان است.

۶. سبک‌شناسی فمینیستی

سبک‌شناسی فمینیستی، چهارچوبی است که سارا میلز برای تحلیل آثار زنان ترتیب داده است. میلز با توجه به دست‌آوردهای سبک‌شناسی و زبان‌شناسی و تأثیر قدرت و جامعه و جنسیت در شکل‌گیری زبان متن به لزوم تجزیه و تحلیل متون زنان تأکید کرده است. الگوی تحلیل‌های او متفاوت از الگوهای سبک‌شناسی سنتی است. میلز در کتاب سبک‌شناسی فمینیستی در سه فصل و در هر فصل، به تحلیل یکی از عناصر سبک‌شناختی زنانه می‌پردازد: لایه واژگانی، لایه نحوی و لایه گفتمانی.

تحلیل در لایه واژگانی: در این فصل گرایش‌های جنسیتی در سطح تحلیل واژه‌های فردی بررسی می‌شود. (میلز، ۶۲: ۱۹۹۵).

تحلیل در سطح عبارت و جمله: این فصل با شیوه‌ای که زبان را در سطحی فراتر از واژه تحلیل می‌کند، مرتبط است.

تحلیل در لایه گفتمانی از موضوع بحث این پژوهش خارج است؛ بنابراین شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۷. محورهای مورد بررسی

۱.۷ لایه واژگانی

۱.۱.۷ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

واژه‌هایی که در این بخش بررسی می‌شوند، آن‌هایی هستند که یا به طور سنتی و کلیشه‌ای با شخصیت زنان در ارتباطند، مثل خانه، آشپزخانه، پخت‌وپز، جارو کردن، گردگیری، قالیبافی و... یا واژه‌هایی که به زنانگی و زیور و زینت زنان مربوطند، مثل آرایش کردن،

وسایل آرایش، گل و سنجاق سر و یا واژه‌هایی که به فیزیولوژی زنان مرتبط است؛ مانند بارداری، زایمان و... هم‌نشینی این واژه‌ها در متن با شخصیت زنان، نوشته را به سوی زنانه بودن سوق می‌دهد.

۲.۱.۷ صورت و اقلام واژه‌های عاطفی زنان

صورت‌ها و واژه‌های عاطفی در زبان وجود دارد که کاربران آن‌ها بیشتر زنان هستند و از آن‌ها به نام تعابیر زنانه نیز یاد می‌شود. مردان به دلایلی مانند منع جامعه و تابو از کاربرد چنین واژه‌هایی پرهیز می‌کنند؛ هم‌چنین تفاوت در زمینه فعالیت‌های هر یک از دو جنس نیز از دلایلی است که سبب می‌شود هر یک از آن‌ها صورت‌های زبانی دیگری را به کار نبرد (مدرسی، ۱۳۸۷: ۱۶۸). تعابیر زنانه شامل دشنام‌ها، نفرین‌ها و تکیه کلام‌های زنانه است.

۳.۱.۷ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

پژوهش‌های زبان‌شناسان درباره کاربردهای زبانی زنان و مردان، نشان داده است که زنان در کاربرد رنگ‌واژه‌ها دقت و جزئی‌نگری بیشتری دارند و در مقایسه با مردان از اصطلاحات متنوع‌تری برای رنگ‌ها استفاده می‌کنند؛ اما درباره اینکه زنان قدرت ادراک رنگ بیشتری دارند، شاهدهی وجود ندارد. (اوگریدی و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۳۸).

لیکاف معتقد است زنان برای هر رنگی طیف‌های گوناگون در نظر می‌گیرند؛ برای مردان طیف‌های گوناگون رنگ‌ها اهمیتی ندارد و آن‌ها بیشتر رنگ‌های اصلی را می‌شناسند؛ مثلاً بنفش تیره یا کمرنگ برای آنها یکسان است و هر دو به بنفش اشاره می‌کند. رنگ‌واژه‌هایی مانند بژ، ارغوانی روشن، زمرد کبود و سرخابی در گفتار زنان بیشتر دیده می‌شود..

تفاوت زبانی کاربران مذکر و مؤنث در کاربرد رنگ‌واژه‌ها به این دلیل است که مردان به مسائل کلان مثل کار و سیاست و موضوعات اجتماعی علاقمندند و مسائل جزئی و پیش پا افتاده مثل تشخیص رنگ را در طیف‌های گسترده، به زنان واگذار کرده‌اند؛ جز در مواردی که به خاطر شغل خود با تشخیص رنگ‌ها سروکار داشته باشند (محمودی بختیاری و دهقانی، ۱۳۹۲: ۵۴۷).

۲.۷ لایه نحوی

۱.۲.۷ جملات توصیفی، اطناب و جزئی‌نگری

نگارش جزئیات یک اتفاق یا یک صحنه و دقت در ریزه‌کاری‌های امور، از ویژگی‌های نگاه و نوشتار زنانه است. زنان هنگام توصیف و شرح رویدادها از اطناب بهره می‌گیرند و با آوردن جزئیات، مسأله را موجه و خوشایند نشان می‌دهند. به بیان دیگر، چون سخن زنان رمانتیک است و با احساسات سروکار دارد و نه با مباحث پیچیده فلسفی و کلامی و علمی، نیازی به برهان و استدلال ندارند و در عوض کوشش می‌کنند با تکرار یک مطلب یا بیان ریزه‌کاری‌های آن، خواننده را قانع کنند. آن‌ها برای رسیدن به این هدف، از جملات کوتاه و توصیفی پی‌درپی استفاده می‌کنند. (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۱۴).

پژوهشگران، جزئی‌نگری زنان را مربوط به کنجکاوی‌های خاص زنانه و فرصت و فراغت بیشتر آن‌ها در مقایسه با مردان، برای بیان جزئیات می‌دانند. آن‌ها همچنین بر این باورند که زنان نویسنده چون قرن‌ها در انتظار نوشتن بوده‌اند، اکنون که فرصت، مناسب است بدون رعایت سیر منطقی هرچه دل‌تنگشان می‌خواهد، می‌گویند (ر.ک. حسینی، ۱۳۸۴: ۹۷؛ اسحاقیان، ۱۳۸۵: ۷۶).

به نظر می‌رسد تلاش برای باورپذیر کردن سخن و کوشش در این زمینه نیز، یکی از دلایلی است که زنان را به سمت توصیفات پی‌درپی و جزئی‌نگری سوق می‌دهد.

۲.۲.۷ جملات کوتاه

گرایش به کاربرد جملات کوتاه و ساده را یکی دیگر از ویژگی‌های دستوری نوشته‌های زنان می‌دانند. زنان از کاربرد جمله‌های پیچیده و تو در تو می‌پرهیزند. علت کوتاهی جملات زنان را در نگاه جزئی‌نگر آن‌ها جستجو می‌کنند. بیان ریزه‌کاری‌ها و جزئیات بسیار یک کل، نیاز به جملات کوتاه و پی‌درپی با استفاده از افعال بسیار دارد. برخی نیز، علت کوتاه و ساده بودن جملات زنان را در ناتوانی زنان از بیان فرایندهای ذهنی پیچیده و جملات مرکب می‌دانند (فتوحی، ۱۳۹۱: ۴۰۷).

۳.۲.۷ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس و استفاده از دم سؤالی (جملات کوتاه پرسشی در ادامه سخن) از ویژگی‌هایی است که در کاربردهای نحوی و جمله‌بندی زنان، مورد بررسی

قرار گرفته‌اند. پژوهشگران، کاربرد جملات پرسشی را در میان زنان بیشتر از مردان می‌دانند و علت آن را وسواس‌های زنانه و نبود اعتماد به نفس در زنان ذکر می‌کنند.

گروهی از زبان‌شناسان طرفدار برابری جنسیت، معتقدند که در جامعه‌های مردسالار، زنان فکر می‌کنند باید به نیروی قوی‌تر یعنی مردان، متکی باشند. دیگر دلیل ذکر شده، هدف سخنوران زن از بیان این نوع جمله‌هاست. این دسته از زبان‌شناسان معتقدند، این جنس، برای ایجاد هم‌دلی و برقراری ارتباط با دیگران سخن می‌گویند، بدین سبب از جمله‌های پرسشی بیشتر استفاده می‌کنند. (نیک‌منش و برجی‌خانی، ۱۳۹۰: ۲۳۶).

۴.۲.۷ نشانه‌های فرازبانی

پژوهشگران بر این باورند که زنان در ارتباط کلامی خود، بیش از مردان از نشانه‌های غیرزبانی استفاده می‌کنند. این علائم غیرزبانی در گفتار به صورت حرکات دست و سر و لحن و آهنگ کلام و سکوت در نوشتار، استفاده از سه نقطه یا خط تیره است. دلیل استفاده از نشانه‌های فرازبانی را در تفاوت هدف مرد و زن از سخن گفتن بیان کرده‌اند. مردان، جملات را به صورت خبری و برای آگاهی‌بخشی و کسب اعتبار، از جایگاه قدرت به طور کامل بیان می‌کنند؛ اما هدف زنان از سخن گفتن بیشتر برای برقراری ارتباط با دیگران و حس هم‌دلی با آنان است. (نجم‌عراقی، ۱۳۸۲: ۲۷۰).

۸. تحلیل آثار برگزیده

۱.۸ تحلیل رمان طوبی و معنای شب

۱.۱.۸ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

بسامد این واژه‌ها در متن ۲۷۰ است

- « حاجی، مریم عذرا را به عنوان نمونه زن در بین زنان مقدسه برگزیده بود. این، او بود که حتی بارداریش در بکارت محض رخ می‌داد.» (پارسی‌پور، ۱۳۶۸: ۴۴).

۲.۱.۸ اقلام، صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

کاربرد تکیه کلام‌هایی که بیشتر زنان استفاده می‌کنند و جنبه عاطفی بودن را پررنگ می‌کند، در طوبی و معنایشب حدود ۱۰ نمونه است:

خوشقدم یونسی و دیگران ۱۰۷

حالا در کمرکش کوچه به زهرا رسیده بودند که با دیدن زن، بدون روینده، که چادرش را با دستکش روی صورتش مچاله کرده بود، با خنج ناخن، گونه‌اش را گل انداخته بود. او هم توی سرش زده بود و گفته بود خدا مرا مرگ بدهد. (همان: ۲۸)

۳.۱.۸ تعدد شخصیت های زن

تعداد ۲۲ زن در رمان حضور دارند. از زنان مهم رمان، طوبی، توران السلطنه، امینه خانم، لیلا و مونس را می‌توان نام برد. زنان دیگر، مثل عصمت خانم، عفت خانم، زنان حاج مصطفی (نرگس و فاطمه)، مادر طوبی، منظر السلطنه، اقدس الملوک، عمقزی منورخانم، خاله‌فارسه و خاله ترکه در حد تیپ هستند.

۴.۱.۸ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در این رمان، ۱۱۵ رنگ‌واژه به کار رفته است. نمونه‌هایی از متن:

روشن شد که، هر رنگی کشوری است و خط‌های بین رنگ‌ها، مرزهای کشورها را مشخص می‌کند. میرزا، روسیه را به او نشان داد. روسیه، سبز کمرنگ بود. میرزا، پایین پای روسیه ایران را به طوبی نشان داد. این یکی زردرنگ بود. میرزا، توجه او را به شکل گریه مانند ایران جلب کرد و زن، بلافاصله به گریه و رنگ زرد علاقمند شد. آن-طرف‌تر، هندوستان بود، سبزه تیره و میرزا گفت: هندوستان خیلی سبز است، سبزه و خرم و... (همان: ۹۰).

۵.۱.۸ جمله‌های توصیفی (جزئی نگری)

در پیکره مورد نظر از طوبی و معنای شب، ۱۰۵۴ عبارت اسمی و در نتیجه ۱۰۵۴ هسته وجود دارد و تعداد وابسته‌های این گروه اسمی ۹۳۷ است. بنابراین ۸۸ درصد از هسته‌ها در این رمان، دارای وابسته هستند. نمونه زیر درباره توصیف فضای خانه است:

- «از پنجره باز، می‌شد باغچه‌های مستطیل شکل، حوض هشت‌گوش کبود رنگ سیمانی، ستون‌های گچی ایوان با گچ‌بری‌های ناشیانه، درب و پنجره‌واره‌های سبز رنگ اتاقهای رو به جنوب را دید». (همان، ۳۶۹).

۶.۱.۸ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های جمله‌های رمان طوبی و معنای شب، ۹ واژه است.

- «در میان در نوشته شده بود، عدل مظفر. زن، به فراول‌های دوسوی در نگاه کرد. آیا می‌توانست از آن‌ها سراغ آقای خیابانی را بگیرد؟ نگاه فراول‌ها خشن بود و اعتنایی به او نداشتند.» (همان: ۲۱۰).

۷.۱.۸ نشانه‌های فرازبانی

در این رمان حدود یک نمونه نشانه فرازبانی مشاهده شد، که دو درصد از کل رمان را تشکیل می‌دهد.

۸.۱.۸ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

- «ممکن بود آیا بر سر همین معنا، خداوند، جامعه را به بلای قحطی و خشکسالی دچار کرده باشد؟ آیا این گناه طوبی بود که باران نمی‌آمد؟» (همان: ۴۹)

۹. تحلیل رمان اتفاق

۱.۹ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

در این بخش، واژه‌های مربوط به آشپزی، زینت‌های زنانه و واژه‌های مربوط به جنس زن، بررسی شده‌اند. واژه‌های مربوط به آشپزی در آغاز و پایان رمان، دارای بسامد هستند. مثال:

گرچه برای آشپزی نیاز به نور و پیمانه ندارد و می‌تواند چشم‌بسته، بهترین طعام دنیا را طبخ کند، دست‌پختش اگر بخواهد و از خودش مایه بگذارد، بی‌نظیر است. موادی را درهم می‌آمیزد که دستورش در هیچ کتاب آشپزی پیدا نمی‌شود. (ترقی، ۱۳۹۰: ۱۴).

۲.۹ تعدد شخصیت‌های زن

شادی، از شخصیت‌های اول رمان است. زنان دیگر رمان عبارت‌اند از، آوا، بی‌بی، تانیا، زری، خانم حبیبی، فریبا، صنم، شیلا و خانم جونز.

۳.۹ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

راوی، رنگ‌واژه‌ها را معمولاً برای توصیف لباس، چهره و ... به کار برده است. زمانی که زمینه و فضای توصیفی وجود دارد، رنگ‌واژه‌ها بیشتر به چشم می‌خورد:

هر چه می‌دیدند یا می‌شنیدند، باور می‌کردند؛ اما اگر کسی با تجربه‌تر از آن دو، به دخترخانم موطلایی نگاه می‌کرد، می‌دید در چشم‌های عسلی‌اش علاوه بر ناز و غمزه‌های دخترانه، انواع شیشه‌پله‌های شیرین هم خوابیده است. هرچه بود از زمین تا آسمان با دخترهای گندمگون و سیاه‌چشم ایرانی تفاوت داشت. لباسش شبیه اونیفورم دخترهای خارجی بود. بلوز آبی اتو کشیده، دامن سرمه‌ای، کفش و جوراب سفید. [...] زیر ناخن‌هایش را انگار با مواد سفید رنگ کرده بودند. (همان، ۲۵).

۴.۹ جمله‌های توصیفی (جزئی‌نگری)

در پیکره انتخابی رمان اتفاق، ۶۲۹ عبارت اسمی و پیرو آن، ۶۲۹ هسته گروه اسمی به کار رفته است. تعدا وابسته‌های این عبارت اسمی ۷۳۳ است. حدود ۱/۱۷ درصد از هسته‌ها، یعنی بیش از صد در صد آنها دارای وابسته است. نمونه‌ای از توصیفات رمان اتفاق:

تانیای، در خانه‌اش کس دیگری بود. کسی منعکس در آینه قدی روی دیوار، ایستاده زیر چهلچراغ بزرگ آویزان از سقف میان اشیای قدیمی، تابلوهای زشت ارزان قیمت، پرده‌های مخمل با حاشیه یراق‌دوزی، صندلی‌های رنگین پشت بلند و... (ترقی، ۱۳۹۰: ۵۰).

۵.۹ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های جملات رمان اتفاق، ۷/۴۰ واژه است.

- «بالارفتن از پله‌ها، کار آسانی نبود. یک پله می‌رفت، می‌ایستاد. نفس‌نفس می‌زد. فریبا و شادی از پشت سر مراقبش بودند.» (همان، ۲۴۵).

۶.۹ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

در پیکره مورد نظر، ۳۰ جمله پرسشی وجود دارد:

- «با خودش گفت: اول از مادرم میپرسه، بعد از من، از کی اهل رسم و رسوم قدیم شده؟ شاید پشت این صورت آرام و رفتار متجددش از اون مردهای متعصبه؟ نکند جلوی آزادی و خواسته‌هامو بگیره؟» (همان، ۱۸۵).

۱.۱۰ تحلیل رمان پری فراموشی

۱.۱۰ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

واژه‌هایی که در این بخش بررسی می‌شود، مربوط به کارهای خانه‌داری، زیور و زینت زنانه و واژه‌های مربوط به جنس زن است. سخن گفتن از تجربیات ویژه زنان، مثل بارداری و زایمان بخش‌هایی از زندگی راوی را دربرمی‌گیرد:

- «دایم با دستمال، اثر انگشت‌ها را از روی در یخچال و پیشخوان آشپزخانه پاک می‌کنم.» (احمدی، ۱۳۹۱: ۶۱).

۲.۱۰ اقلام و واژه‌های عاطفی زنان

در پیکره مورد نظر، ۵ اصطلاح زنانه وجود دارد.

- «مادر خیاطی می‌کرد، نان می‌خرید، توی تشت لباس می‌شست، اما صدایش که بلند می‌شد، گاهی که بلند می‌شد، می‌گفت: «آخر خدا خیر داده‌ها! فکر همسایه‌ها را لاف‌ل بکنید...» (همان، ۲۰۲)

۳.۱۰ تعدد شخصیت‌های زن

شخصیت اول رمان، دختر جوانی است که راوی رمان نیز هست. او تا پایان رمان بی‌نام است. مادر راوی، خانم راستی، مهتاب، خاتون از دیگر زنان رمان هستند.

۴.۱۰ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در پیکره گزینش شده، حدود ۱۹۰ رنگ‌واژه به کار رفته است.

- «بیشتر به رنگ‌های خنثی فکر می‌کردم؛ مثلاً دشتی کرم رنگ یا فقط چند تکه رنگی، شاید هم صورتی و خاکستری بی‌روح.» (همان، ۲۲۲).

۵.۱۰ جملات توصیفی (جزئی‌نگری)

در پیکره انتخاب شده رمان پری فراموشی، ۱۷۴۴ واژه، شامل اسم، قید، صفت و مضاف‌الیه وجود دارد. از این تعداد، ۹۰۱ عبارت اسمی و در نتیجه ۹۰۱ هسته و ۸۴۳ وابسته است. بنابراین ۹۳٪ هسته‌ها دارای وابسته هستند. مثال زیر درباره توصیف پوشش و ظاهر یک شخصیت است:

- «ساعتش، بند چرمی قهوه‌ای داشت و صفحه بیضی شکلش، از سلیقه‌ای اندکی زنانه حکایت می‌کرد. کفش‌ها و کت و شلوارش مرتب و خوش‌دوخت بودند و شبیه یقه‌های ایستاده و لباس‌های آویزانی نبودند که انتظار داریم تن این آدم‌ها ببینیم». (همان ۱۳۱).

۶.۱۰ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های به کار رفته در پری فراموشی، ۹/۰۴ است.
- «می‌خواندم. مدتی است فرصتش را ندارم. مشغول انجام کاری هستم». (همان، ۱۲۷).

۷.۱۰ نشانه‌های فرازبانی

در پیکره انتخابی، ۴۵ نشانه فرازبانی یافت شده است، این نشانه‌ها نمایانگر سکوت، مکث و ... هستند.

- «زنی صدایم کرد. نوبتم شده بود به سمت در خروجی رفتم. اگر ... اگر یک موجود زنده واقعی ... اگر بچه ... اگر حضوری قاطع زیر پوست شکمم ول بخورد، چگونه حسی خواهد بود!». (همان، ۸۸)

۸.۱۰ جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس

در این رمان حدود ۷ مورد جمله پرسشی به شکل حدیث نفسی وجود دارد.
«همه این‌ها را باید می‌گفتم؟ آن هم در اولین دیدار؟ آرام گفتم تا چه پیش آید» (همان، ۳۶).

۱.۱ تحلیل رمان خوف

۱.۱.۱ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

بسامد واژه‌های این حوزه در رمان خوف، در حدود ۱۷۰ مورد است. این واژه‌ها، بیشتر درباره‌ی زیور و زینت و پوشاک و تجربیات زنانه است.

«دلم می‌خواهد [...] بگردم توی عطاری‌ها و برای دردهای ماهیانه دخترم که تازه شروع شده، گل‌گاوزبان مرغوب، گیر بیاورم، با نبات دم کنم، به او بخورانم و برایش از تجربه‌ی مادر شدن حرف بزنم.» (همان، ۱۱۰).

۲.۱.۱ تعدد شخصیت‌های زن

شخصیت اصلی رمان، شیدا، ژینوس، نغمه و... از شخصیت‌های زن رمان خوف هستند.

۳.۱.۱ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در پیکره‌ی مورد نظر، حدود ۹۱ رنگ‌واژه به کار رفته است که بعضی از این رنگ‌ها، فرعی هستند.

- «زیبایی خانه‌ی عزیز، در بد رنگی آبی زنگاری‌ای بود که روی چوب کمدهای دیواری‌اش، برق می‌زد.» (همان، ۱۳۵).

۴.۱.۱ جملات توصیفی (جزئی‌نگری)

در پیکره‌ی انتخابی رمان خوف، ۶۳۷ عبارت اسمی و پیرو آن ۶۳۷ هسته وجود دارد. تعداد وابسته‌های این گروه اسمی ۷۲۴ است. طبق این محاسبات، ۱/۱۳ از هسته‌ها دارای وابسته هستند.

شروع کردم به طراحی پیشبندی که آویزان دیده بودم به دیوار آشپزخانه‌ی نظام. دوروبرِ طرح پیشبندِ زنانه، طرح یک مداد ابروی کوچک و تراشیده، طرح یک لوله‌ی ماتیک بدون در، طرح درِ کوچکِ ماتیک، طرح گلوله‌های پنبه‌آرایی، و طرح دو تکه لباس زیر آویزان مانده را پخش و پلا کشیدم روی کاغذ. (همان، ۸۹).

۵.۱۱ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های به کار رفته در جملات رمان خوف، ۹/۳۴ است.

پرده کوتاه را کشیدم روی پنجره کوچک. سرم را چسباندم به آن. از نور تیزی که از وسط ابرها می‌تابید و داغم می‌کرد، خلاص شدم. سر چرخاندم طرف صندلی کنارم. فرشته سرچرخاند رو به من، لبخند زد. صندلی وسط خالی شد. بالشتک صورتی را گرفتم بغلم. (ارسطویی، ۱۳۹۱: ۴۱).

۶.۱۱ نشانه‌های فرازبانی

نشانه‌های فرازبانی در این رمان، به صورت سه نقطه، در آغاز، میان و پایان جمله به کار رفته است و معمولاً برای نشان دادن قطع کلام توسط دیگری، مکث میان جملات، پایان نیافتن کلام و ... است.

در پیکره مورد نظر، حدود ۲۵ نشانه فرازبانی به کار رفته است.

- خیال می‌کردم...

- ... از آدمای خیالاتی خوشم نمی‌یاد. (همان، ۱۸۹).

۷.۱۱ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

در دامنه پژوهشی رمان خوف، حدود ۲۷ جمله پرسشی حدیث‌نفسی به کار رفته است.

- اگر قصه پسر سرهنگ راست باشد چی؟ اگر آن دیپلمات شکم‌گنده حقیقت داشته باشد، چی؟ (همان، ۱۸۹).

۱۲. تحلیل رمان باغ بلور

۱.۱۲ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

واژه‌های مربوط به این حوزه، در متن دارای بسامد است:

- «درد، هر چه زودتر بگیرد و ول کند، زایمان نزدیکتر است». (مخملباف، ۱۳۶۵: ۸).

۲.۱۲ اقلام، صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

تعبیر زنانه شامل دشنام‌ها، نفرین‌ها و تکیه کلام‌های زنانه است.

- بمیرم الهی، به زحمت افتادید. (همان، ۱۴۷).

۳.۱۲ تعدد شخصیت‌های زن

لایه، سوری، ملیحه، عالیه، خورشید و... زنانی هستند که داستان، حول محور زندگی آنان می‌چرخد.

۴.۱۲ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

حدود ۱۰۳ رنگ‌واژه در رمان وجود دارد.

احمد هر چه در جیب داشت، اسکناس سبز و قرمز و پول خرد، هر چه و هر چه، حتی انگشتر و تسبیح، به مرده‌شور داد. (همان، ۲۷۹).

۵.۱۲ جملات توصیفی (جزئی‌نگری)

میزان عبارتهای اسمی و هسته‌های آن، ۷۱۵ عدد و تعداد وابسته‌های گروه اسمی در جمله‌های بررسی شده، ۷۱۹ عدد است. درصد وابسته به هسته‌های گروه اسمی، ۱/۰۱ است. بنابراین، بیش از صد درصد هسته‌ها دارای وابسته است.

- «از آن سوی مهمانی، یک بلوز یقه‌قرمز با سینه‌ریزهای مروارید و توری‌های سفید دور یقه و دور دست، به جنگ روسری شرابه‌ای آمده بود. این سو دواشاب سبز که یکی دو بافه مو بر آن تاب می‌خورد». (همان، ۸).

۶.۱۲ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های به کار رفته در جملات باغ بلور، ۷/۰۰۲ است.

و خود، پا را از درگاه اتاق به حیاط گذاشت. شب، چون شب‌جی در حیاط. بادکی می‌وزید. (همان، ۱۲).

۷.۱۲ نشانه‌های فرازبانی

- «گردنت رو بالا بگیر و بگو: ببخشیدها گل خوردیم. غیرت که نداری. گمون کردی... تازه تورو هم نمی‌ذارم پا پیش بذاری.» (همان، ۱۴۰).

۸.۱۲ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

- «از او چه می‌خواست؟ این روزها از او چه کاری سرزده بود باز؟» (همان، ۶۱)

۱۳. تحلیل رمان مهر گیاه

۱.۱۳ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

واژه‌های مربوط به تجربیات ویژه زنانه مثل بارداری، زایمان و ... در صفات آغازین کتاب بیشتر به چشم می‌خورد. حدود ۷۳ واژه در حوزه زنان به کار رفته است.

- «زن، نفس را بیرون داد: نه خانوم دکتر. توی همین مریض‌خانه شش شکم زاییده‌ام.» (چهلتن، ۱۳۸۲: ۷)

۲.۱۳ اقلام واژه‌ها و صورت‌های عاطفی زنان

حدود ۱۳ عبارت در این حوزه، در متن یافت شد که به یک نمونه اشاره می‌شود.

- «شمس الضحی می‌گفت: خاک توی گورت کنند. آدم عاقل، خاطرخواه بلای جان خودش می‌شود؟» (همان، ۱۳۹-۱۳۸).

۳.۱۳ تعدد شخصیت‌های زن

شمس الضحی، شخصیت اصلی رمان است. رفعت، نور جهان، ملک تاج، طوبی، مهر ارفع، ماریا و قمر از دیگر زنان رمان هستند.

۴.۱۳ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در این رمان، حدود ۱۰۵ رنگ‌واژه به چشم می‌خورد. از این رنگ‌واژه‌ها، ۲۶ رنگ سفید و ۲۴ رنگ سیاه است.

- «سرطاقی‌های عمارت خاموش، در آیینۀ تاریک حوض، بر پوسته‌ای نازک و فسفری می‌لرزید.» (همان، ۲۸۱).

۵.۱۳ جملات توصیفی (جزئی‌نگری)

از پیکره مورد نظر در رمان **مهرگیاہ**، ۱۲۷۴ عبارت اسمی و پیرو آن ۱۲۷۴ هسته به دست آمده است. تعداد وابسته‌های این رمان، ۱۳۵۲ واژه است. بنابراین طبق محاسبات فوق، بیش از ۱۰۰٪ هسته‌ها دارای وابسته هستند.

- «لیوان‌های بلور پایه بلند درون گنجه‌های شیشه‌ای، از موج بم، صداشان می‌لرزید.» (همان، ۸۴).

۶.۱۳ جملات کوتاه

میانگین واژه‌های به کار رفته در جمله‌های رمان **مهرگیاہ**، ۶/۸۶۱ است.

- «بارها از آن گذشته بود. برف تازه بود و زیر پا صدا می‌کرد. برخاست، دستی به دامن کشید. انگار ادامه رؤیاها را می‌تکاند، دوباره برابر آینه نشست.» (همان، ۱۵).

۷.۱۳ نشانه‌های فرازبانی

حدود ۹۴ نشانه فرازبانی در پیکره انتخاب شده به کار رفته است که این نشانه‌ها، به صورت سه‌نقطه (...) در میانه و پایان سخن استفاده شده است.

همه شب، دستمال زیربینی خوابیده بود. از لای دستمال، عطری ملایم برمی‌خاست که از نم دست‌های خودش نبود. هر دو، در آن پیاده‌روی باریک، زیر پرتو چراغ‌های گازی ... ناگهان نوری تابید، خودش بود. با همان بوی عطری که آن مرد روس ... (همان: ۲۵).

۸.۱۳ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

این سالها، سالهای شکفتن غنچه‌ای در باغچه دلش بود. سالهای بلوغ آفتاب و آب! اما سرمای آن شهر، سکوت و بیماری مادر و آن تلخی‌های عمیق وقتی صحبت مرد را می‌کرد و آن پرهیزها و پرهیزها ...! و آن وقت فهمید هرگز کودکی نکرده است. بازی کرده بود؟ گیج و گول و شاد با چیزی تازه و کشف ناشده روبرو شده بود؟ (همان، ۸۸).

۱۴. تحلیل رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها

۱.۱۴ واژه‌های متعلق به حوزه زنان

از واژه‌های مربوط به این حوزه، ۱۲ نمونه یافت شده است که به نمونه‌هایی اشاره می‌شود: - «خاتون، زده بود زیر گریه و دویده بود سمت رودخانه؛ لب آب، دایی او را بغل کرده بود و همین‌طور که شانه‌هایش تکان می‌خورد، صورت خیسش را به روسری گلدار او چسبانده بود.» (قاسمی، ۱۳۹۱: ۱۲۳).

۲.۱۴ اقلام، صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

در این رمان حدود ۶ درصد نمونه یافت شده است.

۳.۱۴ تعدد شخصیت‌های زن

ده شخصیت زن، در رمان حضور دارند. رعنا، بندیکت، ماتیلدا، خاتون، امانوئل، م‌الف ر، زن کلاتر از شخصیت‌های زن رمان هستند.

۴.۱۴ کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در رمان هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها، ۲۷ رنگ‌واژه به کار رفته است. «دوباره سرک کشیدم. بندیکت، که فقط، بخشی از موهای طلایی‌اش را می‌دیدم...» (همان، ۱۹۲).

۵.۱۴ جمله‌های توصیفی (جزئی‌نگری)

تعداد عبارات اسمی و هسته‌های رمان هم‌نوایی شبانهٔ ارکستر چوب‌ها، ۶۱۸ و تعداد وابسته‌ها ۵۴۸ عدد است. به این ترتیب، حدود ۸۸/۰۶۷٪ هسته‌ها دارای وابسته هستند و مقید شده‌اند.

- «سید، مکتی کرد و رگ باریک زیر پلک چپش تکان خورد. چند صفحه بیشتر نیست. خودم نرم نرم تایپ می‌کنم.» (همان، ۱۱۸)

۶.۱۴ جمله‌های کوتاه

میانگین واژه‌های به کار رفته در جمله‌های رمان هم‌نوایی، ۹ واژه است.

بعد از آن‌که مثل اسرائیلی‌ها، سیاست زمین در مقابل صلح را پیش گرفته و اتاق آشپزخانه را به رعنا واگذار کرده بودم تا دوباره استقلالم را به دست آورده باشم، گاه و بیگاه و به هر بهانه‌ای باز مزاحمم می‌شد. (همان، ۱۱۷).

۷.۱۴ نشانه‌های فرازبانی

در پیکرهٔ انتخاب شده از رمان، ۲۴ مورد نشانهٔ فرازبانی به کار رفته است.

- «فکر می‌کردم برای اولین بار در زندگیم عاقلانه رفتار کرده‌ام. اما حساب اینجای کار را دیگر نکرده بودم. اگر تأیید می‌کردم، ممکن بود مدعی شود که در آن طلا بوده و اگر...» (همان، ۷۸).

۸.۱۴ جمله‌های پرسشی به شکل حدیث نفس

حدود ۶۵ جملهٔ پرسشی حدیث نفسی در رمان وجود دارد. این پرسش‌ها، اغلب در ذهن راوی شکل می‌گیرد.

- «چرا هیچ نمی‌گوید؟ چرا نمی‌پذیرد چیزی به او تعارف کنم؟، چرا این قدر غمگین است. روی شلوار مشک‌اش غبار نشسته است.» (همان، ۱۰۰).

۱.۱۵. تحلیل رمان سپیدتر از استخوان

۱.۱۵. واژه‌های متعلق به حوزه زنان

در این حوزه، ۸ واژه به کار رفته است.

پرستار می‌کشاندش کنار، تا انگار در گوشی چیزی به‌اش بگوید و آرامش کند. می‌کند. که خواهر همان‌طور، دستش مدام به صاف و صوف کردن شال و ماتو، سر تکان می‌دهد و تشکر می‌کند و دوباره برمی‌گردد کنار مادرش و ماهرخ. (سناپور، ۱۳۹۴: ۱۹).

۲.۱۵. اقلام، صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

- «مادر، انگار کاری ندارد که دختر هوش شنیدن ندارد. همان آمدنا می‌گوید: «آخر دختر، خبر مرگت، به هوش شدی یا نه؟» (۱۹)

۳.۱۵. تعدد شخصیت‌های زن

سوفیا، مادر سوفیا، شیوا، پرستار اعظم و ماهرخ، از شخصیت‌های زن رمان هستند.

۴.۱۵. کاربرد رنگ‌واژه‌ها

در رمان سپیدتر از استخوان، ۶۵ رنگ‌واژه به کار رفته است. رنگ سفید با ۳۱ بار تکرار و رنگ سیاه با ۱۵ بار تکرار، بیش‌ترین بسامد را دارد.

- «دوباره نوک سبیلش می‌آید پایین و همان خط صاف و پر پشت نقره‌ای می‌شود.» (همان، ۴۹۱).

۵.۱۵. جمله‌های توصیفی (جزئی‌نگری)

در پیکره مورد نظر، ۱۹۳۱ واژه شامل اسم، قید، صفت، مضاف‌الیه و ... به کار رفته است. از این تعداد، ۱۰۰۴ عدد عبارت اسمی و هسته و ۹۲۷ عدد وابسته است. به این ترتیب، حدود ۹۲٪ از هسته‌ها با وابسته مقید شده‌اند.

- «با صدای مشت خرد شده سنگ که توی گلوش به هم ساییده و پایین ریخته باشند، می‌گوید: امتحان می‌کنم. سبیک کوچک گلوش بالا و پایین می‌شود.» (همان، ۷۰).

۶.۱۵ جمله‌های کوتاه

میانگین واژه‌های جمله‌های کوتاه در رمان سپیدتر از استخوان، ۶/۴۶ عدد است.

- «دودم، ول می‌شود توی تاریکی. کم‌رنگش می‌کند. شکل کج و معوجی توش درست می‌کند. آبستره. بی‌نظمی محض. درازی کاج شب را تاریک‌تر می‌کند.» (سناپور، ۱۳۹۴: ۷).

۷.۱۵ جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

جملات پرسشی حدیث نفسی، دارای بسامد است. و تعداد آن‌ها به ۶۸ عدد می‌رسد. «برمی‌دارم. پرستار بخش دو. چرا اسمش نمی‌آید توی سرم؟ پیشش زده‌ام نکنند؟» (همان، ۹۳)

۸.۱۵ نشانه‌های فرازبانی

«روش را می‌گرداند دوباره به شب. «برو بابا! تو چه می‌فهمی اصلاً! «می‌فهمم»

دوباره نگاهم می‌کند. سر تکان می‌دهد. چه قدر متکبر! چه قدر...» (همان، ۱۱۴)

جدول ۲. داده‌های آماری محورهای مورد بررسی

کتابها	واژه‌های متعلق به حوزه زنان	واژه‌های صحنه‌ها و واژه‌های عاطفی زنان	تعداد شخصیت‌های زن	رنگ واژه‌ها	میانگین واژه‌های جمله‌ها	نشانه‌های فرازبانی	جملات پرسشی به شکل حدیث نفس
طوبی...	۰/۵۴	۰/۰۲	۲۲	۰/۱۱	۹/۱۱۹	۰/۰۰۱	۰/۱۴۰
اتفاق	۰/۲۷	۰	۹	۰/۱۵	۷/۰۴	۰	۰/۱۰۰
پری فراموشی	۰/۵۰	۰/۰۲۲	۵	۰/۳۹	۹/۰۴	۰/۰۹۲	۰/۰۳۰
خوف	۰/۸۷	۰	۶	۰/۲۴	۹/۳۴	۰/۰۶۵	۰/۱۳۸
باغ بلور	۰/۲۴	۰/۱۴	۸	۰/۱۶	۷/۰۰	۰/۰۷۲/	۰/۱۷۱
همنوايي..	۰/۰۷	۰/۰۰۶	۱۰	۰/۰۸	۹/۰۰	۰/۰۶۹	۰/۴۷۱
مهرگياه	۰/۳۷	۰/۰۶۵	۸	۰/۲۳	۶/۸۶	۰/۲۰۷	۰/۰۲۵
سپیدتر از..	۰/۰۷	۰/۰۱۷	۵	۰/۲۴	۶/۴۶	۰/۰۴۱	۰/۵۸۶

جدول ۳. جمله‌های توصیفی (جزئی نگری)

کتابها	جزئی نگری	
	هسته	وابسته
طوبی	۱۰۵۴	۹۳۷
اتفاق	۶۲۹	۷۳۳
پری فراموشی	۹۰۱	۸۴۳
خوف	۶۳۷	۷۲۴
باغ بلور	۷۱۵	۷۱۹
همنوایی	۶۱۸	۵۴۸
مهر گیاه	۱۲۷۴	۱۳۵۲
سپیدتر از استخوان	۱۰۰۴	۹۲۷

با تحقیقات صورت گرفته و براساس تحلیل‌های آماری و باتوجه به نتایج درج شده در جدول‌ها، در حوزه واژگان و نحو، نتایج زیر به دست آمده است:

۱- در شاخص واژگان متعلق به حوزه زنان

رمان‌های سپیدتر از استخوان و هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها، هردو با (۰.۷) از نظر استفاده از این شاخص، کاملاً شبیه هم هستند. رمان‌های اتفاق با (۰.۲۷)، باغ بلور با (۰.۲۴) و مهر گیاه با (۰.۳۷)، نتایج نزدیک به هم را نشان می‌دهند. دو رمان طوبی و معنای شب با (۰.۵۴) و پری فراموشی با (۰.۵۰)، نیز از نظر کاربرد شاخص یاد شده، همسانی دارند.

۲- در حوزه اقلام، صورت‌ها و واژه‌های عاطفی زنان

رمان طوبی با (۰.۲)، رمان‌های اتفاق و خوف با (۰) در یک گروه قرار می‌گیرند. رمان‌های باغ بلور با (۰.۱۴) و سپیدتر از استخوان با (۰.۱۷)، در یک دسته قرار می‌گیرند. رمان مهر گیاه با (۰.۶۵)، دارای بسامد است.

۳- در شاخص تعدد شخصیت‌های زن

طوبی، با ۲۲ شخصیت زن، دارای بیشترین بسامد است. رمان‌های اتفاق با ۹، باغ بلور با ۸ و مهر گیاه با ۸ شخصیت زن، در یک دسته جامی گیرند. پری فراموشی و سپیدتر از استخوان، با ۵ شخصیت، در یک گروه هستند. رمان خوف، ۶ شخصیت دارد و از نظر

آماری، به دو رمان پیشین نزدیک است. هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها، ۱۰ شخصیت زن دارد.

۴- در شاخص رنگ‌واژه‌ها

طوبی و معنای شب با (۱۱/.)، اتفاق با (۱۵/.) و باغ بلور با (۱۶/.)، نتایج مشابهی را نشان می‌دهند.

۱- در شاخص جملات توصیفی (جزئی‌نگری)

طوبی و معنای شب و هم‌نوایی شبانه..... با (۸۹/.)، کاملاً یکسان‌اند. اتفاق با (۱۷/.)، خوف با (۱۴/.) و مهرگیاه با (۱/۶) نزدیک به هم هستند. پری فراموشی با (۹۴/.) و سپیدتر از استخوان با (۹۲/.) در یک ردیف‌اند.

۲- در شاخص میانگین واژه‌های جملات

چهار رمان اتفاق با (۷/۰۴)، باغ بلور (۷/۰۰۲)، مهرگیاه با (۶/۸۶) و سپیدتر از استخوان با (۶/۴۶) در یک گروه هستند.

طوبی و معنای شب با (۹/۱۹)، پری فراموشی با (۹/۰۴)، خوف با (۹/۳۴) و هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها با (۹/..) در یک ردیف قرار می‌گیرند.

۳- در شاخص نشانه‌های فرازبانی

طوبی و معنای شب با (۱/.) و اتفاق با (۰) یکسان هستند. رمان‌های پری فراموشی با (۹۲/.)، خوف با (۶۵/.)، باغ بلور با (۷۲/.) و هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها با (۶۹/.) در یک گروه جا می‌گیرند.

۴- در شاخص جملات پرسشی به شکل حدیث نفس

طوبی با (۱۴۰/.) و خوف با (۱۳۸/.) از نظر کاربرد این شاخص، شبیه هم هستند. هم‌نوایی شبانه ارکستر چوب‌ها با (۴۷۱/.) و سپیدتر از استخوان با (۵۸۶/.) نزدیک به هم هستند. پری فراموشی با (۳۰/.) و مهرگیاه با (۲۵/.) نتیجه مشابهی را نشان می‌دهند.

۱۶. نتیجه‌گیری

با توجه به اینکه، به کارگیری اصطلاح سبک زنانه، مستلزم آن است که اعضای منسوب به این سبک از ویژگی‌های مشابه با یکدیگر بهره ببرند و کاربران این ویژگی‌ها تنها زنان

باشند و با توجه به نتایج به دست آمده از داده‌های آماری در لایه زبانی (واژگانی و نحوی)، هیچ شاخص زبانی‌ای وجود ندارد که هر چهار رمان زنانه از نظر بسامد در آن مشترک باشند. همچنین، هیچ شاخصی که تنها زنان کاربران آن‌ها باشند و در رمان‌های مردان کاربرد نداشته باشد، یافت نشد. نگارنده معتقد است نشانه‌های سبک زنانه در حوزه زبانی قابل اثبات نیست و سبک زنانه را باید در حوزه‌های دیگری از جمله گفتمان و شیوه‌های روایت جست و جو کرد. گفتنی است این مقاله تنها به بررسی کاربردهای زبانی توجه داشته و مواردی مثل کاربردهای بلاغی مورد پژوهش نبوده است؛ بنابراین اجرای پژوهش درباره حوزه‌های یاد شده و مشابه آن می‌تواند درکشف ویژگی‌های سبک زنان راهگشا باشد.

کتاب‌نامه

- احمدی، فرشته (۱۳۹۱). *پری‌فراموشی*، چاپ سوم، تهران: ققنوس.
- ارسطویی، شیوا (۱۳۹۳). *خوف*، چاپ دوم، تهران: روزنه.
- اسحاقیان، جواد (۱۳۸۵). *درنگی بر سرگردانی‌های شهرزاد مدرن*، سیمین دانشور، تهران: گل‌آذین.
- اوگریدی، ویلیام (۱۳۹۴). *درآمدی بر زبان‌شناسی معاصر*، ترجمه علی درزی، تهران: سمت.
- آستین، جین (۱۳۸۸). *غرور و تعصب*، ترجمه سوسن اردکانی، چاپ اول، تهران: نگارستان کتاب.
- پارسی‌پور، شهرنوش (۱۳۶۸). *طوبی و معنای شب*، چاپ دوم، تهران: اسپرک.
- ترقی، گلی (۱۳۹۳). *اتفاق*، چاپ دوم، تهران: نیلوفر.
- چهلتن، امیرحسین (۱۳۸۲). *مهرگیاه*، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- حسینی، مریم (۱۳۸۴). *روایت زنانه در داستان‌نویسی زنانه*، کتاب ماه ادبیات و فلسفه، ش ۴۳، صص ۹۴-۱۰۱. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران.
- زرافا، مشیل (۱۳۸۶). *جامعه‌شناسی ادبیات داستانی*، ترجمه نسرين پروینی، تهران: سخن.
- سناپور، حسین (۱۳۹۴). *سپیدتر از استخوان*، چاپ اول، تهران: چشمه.
- سوکال، آلن و ژان بریکمون (۱۳۹۴). *ترجمه عرفان ثابتی*، چاپ چهارم، تهران: ققنوس.
- ضیمران، محمد (۱۳۹۲). *ژاک دریدا و متافیزیک حضور*، چاپ دوم، تهران: هرمس.
- طاهری، قدرت‌الله (۱۳۸۸). *زبان و نوشتار زنانه: توهم یا واقعیت*، فصلنامه زبان و ادب پارسی، ش ۴۲، زمستان، صص ۸۸-۱۰۷.
- فتوحی، محمود (۱۳۹۱). *سبک‌شناسی، نظریه‌ها، رویکردها و روش‌ها*، چاپ اول، تهران: سخن.
- قاسمی، رضا (۱۳۹۱). *همنویی شبانه: ارکستر چوبها*، چاپ یازدهم، تهران: نیلوفر.

- مایلز، رزالیند (۱۳۸۰). *زنان و رمان*، ترجمه علی آذرنگ، تهران: انتشارات روشنگران و مطالعات زنان.
- محمودی بختیاری، بهروز و مریم دهقانی (۱۳۹۲). *رابطه زبان و جنسیت در رمان معاصر فارسی*، نشریه زن در فرهنگ و هنر، دوره ۵، شماره ۴، زمستان، صص ۵۴۳-۵۵۶.
- مخملباف، محسن (۱۳۶۵). *باغ بلور*، چاپ اول، تهران: برگ.
- مصطفوی، شمس الملوک و سمیه علمدار (۱۳۹۱). *لینا/ ناکلین و تقد مفهوم سبک هنری متمایز زنانه*، فصلنامه کیمیای هنر، سال اول، ش ۶، زمستان، صص ۷۲-۶۴.
- مقدادی، بهرام (۱۳۹۳). *دانشنامه نظریه و نقد ادبی از افلاطون تا به امروز*، چاپ اول، تهران: چشمه.
- مدرسی، یحیی (۱۳۸۶). *درآمدی بر جامعه‌شناسی زبان*، تهران، موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- نجم عراقی، منیژه (۱۳۸۲). *زن و ادبیات*، سلسله پژوهش‌های نظری درباره مسائل زنان، تهران: چشمه.
- نیک منش، مهدی و منا برجی خانی (۱۳۹۲). *تجلی نوشتار زنانه در کتاب داه و فصلنامه علمی - پژوهشی زبان پژوهی*، دوره ۴، شماره ۸، صص ۲۳۰-۲۵۱.
- ولیزاده، وحید (۱۳۸۷). *جنسیت در آثار رمان‌نویسان زن ایرانی*، فصلنامه نقد ادبی، سال اول، ش ۱، صص ۲۲۴-۱۹۱.
- یول، جورج (۱۳۸۵). *بررسی زبان*، ترجمه علی بهرامی، چاپ اول، تهران: سمت.
- نیکویخت و همکاران، (۱۳۹۱). *روند تکوین سبک زنانه در آثار زویا یل بر پایه سبک شناسی فمینیستی*، فصلنامه نقد ادبی، ش ۵، ش.

Fairclough, N. (1989). *Language and power*. Pearson Education.

Labov, W. (1991). *Sociolinguistic patterns* (No. 4). University of Pennsylvania Press

Lakoff, R. T. (2004). *Language and Woman's Place: Text and Commentaries*. Oxford University Press

Mills, S. (1995). *Feminist stylistics*. London: Routledge.